

پژوهش در حوزه؛ نگاه از بیرون

<?xml encoding="UTF-8">

از نگاه بیرونی که به فرآیند پژوهش نظر افکنده شود، این نکته به خوبی ملموس و قابل احساس است که مقوله پژوهش نیازمند صبر و تحملی ژرف برای پژوهش گران و دیگر دست اندرکاران امر پژوهش است. پژوهش دارای افت و خیز و مقوله ای دیربازده است. کسی که در این عرصه گام می نهد، نیازمند استعداد، خلاقیت و تجربه کافی در موضوعی است که وارد آن می شود، به علاوه باید عنصری صبور و پرتوان باشد به گونه ای که خود را برای هر مشکل و سختی و حتی شکست آماده کند. پژوهش هم چون گمانه زنی هایی است که برای کشف معدن طلا یا نفت انجام می گیرد. این گمانه زنی ممکن است، ده ها و صدها بار، با استفاده از تمامی ابزارهای لازم، متخصصین فن و فنّ آوری های موجود انجام پذیرد و هر بار با شکست مواجه شود و یا نتیجه ای چشم گیر به همراه نداشته باشد؛ ولی اگر از میان صد بار آزمون و خطا، یک مورد آن به نتیجه برسد، ارزش صرف آن همه بودجه و امکانات را دارد، چون پیروزی و دست یابی به نتیجه مطلوب، می تواند صد مورد شکست های پیشین را جبران کند.

به فرموده بزرگی: «تحقیق و کار عالمانه، با مژه، کوه کندن است و کسی که در عرصه پژوهش گام می گذارد، باید با لحاظ تمامی مشکلات و دشواری ها کار را آغاز کند.» به هر روی مخاطب این سخن تنها، فرد محقق و پژوهش گر نیست؛ بلکه آن چه بیشتر در این مجال مورد نظر این قلم است، جلب توجه مسؤولان، بانیان و مجریان امر تحقیق در حوزه است. اکنون که بحمدالله و المّته و تحت توجهات حضرت ولی عصر (عج) و به برکت انقلاب شکوهمند اسلامی، ده ها مرکز تحقیقی با بهره گیری از نیروهای جوان متعهد، فاضل و خوش فکر در حوزه مقدس قم دائر شده و در زمینه های گوناگون دانش های اسلامی و انسانی، اعم از فقهی، تفسیری، فلسفی، کلامی، حدیثی، سیاسی و غیره به این امر مهم پرداخته اند؛ نیل به پژوهش عالمانه، محققانه و درخور حوزه های علمیه بایستنی های فراوانی می طلبد که رعایت آن ها در ارائه تحقیقات، اجتناب ناپذیر است. البته تهیه لیست کامل از این بایدها و اجرای آن ها، نیازمند تمرکز در امر پژوهش و سیاست گذاری دقیق و علمی از سوی یک مرکز تصمیم گیری پویا، مشرف به همه نیازها، جوشیده از متن حوزه و دارای قدرت و توان اجرایی بالا می باشد که این مطلب، در جای خود باید مورد توجه قرار گیرد و نیازمند فرصت دیگری است.

آن چه فعلاً در نظر است که به ارباب پژوهش حوزوی منتقل شود و مشمول عنایت آن عزیزان قرار گیرد، آن است که با توجه به مشکلات طاقت فرسای امر تحقیق، برای عرضه کارهای نو، ایجاد خلاقیت، نظریه پروری و تولید اندیشه های نوین، با استفاده از منابع غنی معارف دینی تکیه بر گنجینه ارزش مند سلف صالح و به کارگرفتن نیروهای مبتکر و خلاق، باید تدبیری اندیشید و راه کارهایی یافت که از کارهای کم محتوا، تکراری و کم ارزش اجتناب شود و امکانات و پژوهش های حوزوی به سوی پاسخ گویی به نیازهای عصر کنونی، حلّ مشکلات نظام اسلامی در ابعاد نظریه پردازی، بازکردن گره های مختلف اجتماعی و حل شبهات بسیج گردد. بلکه با سلاح زبان روز به سوی اندیشه های باطل رایج در غرب و جهان سرمایه داری شامل: سکولار، لیبرال دموکرات و نگاه های

مختلف سیاسی، اجتماعی، تربیتی، حقوقی، اقتصادی و غیراسلامی هجوم آورد.

برای تحقق وعینیت یافتن شعارهای بالا، که اهداف عالیه حوزه های علمیه و مراکز پژوهشی آن است، راه کارهایی وجود دارد. آن چه راقم این سطور که سالیان متمادی با بسیاری از مراکز پژوهشی حوزوی ارتباط یا همکاری داشته است، به خاطر فاترش خطور می کند، نگاهی بیرونی به شیوه پژوهشی است که اکنون در غالب مراکز پذیرفته شده و در حال اجرا است و شاید ریشه آن هم کپی برداری از شیوه رایج در مراکز دانشگاهی و آموزش عالی داخل کشور باشد.

مراحل پژوهش کنونی نوعاً در فرآیند کاری عبارت اند از: تعیین موضوع تحقیق، تصویب موضوع (در صورتی که از سوی پژوهش گر ارائه شود)، نوشتن طرح نامه، تصویب طرح نامه، نظارت و ارزیابی و مراحل اجرای تحقیق و تصویب آن. این روشی است که به عنوان شیوه برتر و استاندارد در جریان است. اگرچه در این روش محاسن و مزایایی همانند: نظم و نسق یافتن کار تحقیق، انجام طرح های مورد نظر و سفارش در مدت زمان قابل پیش بینی نهفته است؛ سؤال اصلی آن است که این روش چقدر به کشف و خلاقیت می انجامد؟ و با اعمال و تداوم آن تا چه میزان شاهد عرضه تولیدات نوین و جهش و نظریه پردازی جدید در عرضه معارف دینی خواهیم بود؟

چنین روشی نظیر کارهایی است که دولت ها در برنامه های کوتاه مدت و درازمدت خود پیش بینی می کنند و در چارچوب آن با پیمان کاران مختلف قرارداد می بندند و در نتیجه سمت و سوی سیاست گذاری دولت در بخش های مختلف اقتصادی، فرهنگی، سیاسی مشخص می شود و معلوم می شود که این پروژه در چه مدت و با چه هزینه ای به بهره برداری می رسد؛ ولی آیا مقوله پژوهش و تحقیق را تنها در این شیوه می توان محدود و خلاصه کرد؟ آیا با پافشاری بر این روش به عنوان سنتی لایتغیر و غیر قابل اغماض، می توان شاهد خلاقیت و نوآوری بود؟ البته روشن است که منظور از نوآوری، پشت پا زدن به گنجینه پرافتخار گذشته و روش های سلف صالح که امام خمینی (ره) به آن «فقه جواهری» می گفتند، نیست؛ بلکه منظور نوآوری در عرضه جواهر امروز است.

آیا مبتکران و نظریه پردازان صالح گذشته هم چون: شیخ انصاری، وحید بهبهانی، علامه حلی، ملاصدرا و علامه طباطبایی در عرصه فقه، اصول، فلسفه و تفسیر با چنین مدلی، موفق به خلق آثار نو و پرارزش گشتند؟ البته غرض آن نیست که شیوه کنونی به کلی نسخ شود و از گردونه پژوهش بیرون افکنده شود؛ بلکه منظور تأمل در کلیت این شیوه است؛ یعنی اگر در مواردی مشاهده می شود که این روش از کارایی لازم برخوردار نیست، بدون آن که اصل کار پژوهش کنار گذاشته شود، این روش اصلاح شود و به مقتضای مصلحت بهینه گردد.

بسیاری از نیروهای فاضل، متعهد و خلاق در حوزه هستند که با تکیه بر این روش، خلاقیت آن ها گرفته می شود و مراحل تحقیق پیش گفته همانند قفل و زنجیری بر پای عقل، اندیشه و ابتکار آن ها تنیده می شود و نمی گذارد در عرصه تفکر به حرکت در آید و آثار نو عرضه کند. در چنین جایی است که می توان محقق را آزاد گذاشت. از او پشتیبانی کرد، امکانات لازم را در اختیار او نهاد و او را از قفس شیوه گذشته رها نموده و با حسن ظن به قوه خلاق و ابتکار او و با توجه به تجربیات گذشته اش، به او میدان عمل داد تا کار کند، فکر خود را به کار اندازد و با تأمل و تحقیق طرح هایی نو دراندازد. حتی می توان نارسایی ها، گره ها و نیازهای امروز را به او گوشزد نمود و از او راه حل خواست و طرح مطالبه نمود. در این صورت است که پژوهش گر خلاق و متدین و دلسوز، می تواند با دلگرمی به میدان تأمل و تحقیق درآید و از آن پس شاهد زایش اندیشه هایی نو و کارآمد بود. البته این بدان معنا نیست که در این صورت هر چه تولید می شود، چون دُرّی گرانبها است؛ زیرا چنان که در ابتدای این مقال بیان گردید، این کار افت و خیز و فراز و نشیب فراوان دارد. و میدان آزمون و خطا است و هر چند شکست فراوان

در آن به چشم می خورد؛ آن چه ارزش دارد، پیروزی هایی است که پس از شکست های مختلف قابل مشاهده است.

اگرچه امروزه در مراکز آموزش عالی داخل کشور هم چنان از این شیوه پیروی می شود، در مراکز دانشگاهی و پژوهشی معتبر دنیا، این روش منسوخ شده است. امروزه به جای پُرکردن صفحات از انبوه مطالب پیش گفته و گاه کهنه و به جای افزایش حجم تحقیقات و بالابردن آمار عرضه کتاب، مقاله و نشریه باید به کیفیت اندیشید و در فکر کارهایی نو، کم حجم و محدود ولی محکم و متقن بود.

سرّ آن که بزرگان حوزه با آن همه محدودیت در زمان های پیشین موفق به خلق آثار گرانبها شدند و توانستند با آن همه فشار و ظلم، میراث گرانبهای اهل بیت (ع) را نسل به نسل و سینه به سینه، به عصر امروز برسانند، این بود که با ایمان و توکل نیاز و کمبود را تشخیص می دادند و با تمام تلاش و همّت خود به چاره جویی و حلّ آن می پرداختند. آنان دست از جهاد علمی خود نمی شستند تا آن که گره های موجود را در پرتو قرآن و معارف اهل بیت (ع) حلّ کنند. اکنون که به برکت انقلاب پرشکوه اسلامی، ابزار تحقیق و پژوهش گسترده و کارآمد شده و امکانات و شرایط لازم فراهم آمده است، باید زمینه ای فراهم کرد تا نسل های جدیدی از شیخ انصاری ها، وحید بهبهانی ها، شیخ مفیدها، ملاّصدراها، علامه طباطبایی ها و امام خمینی ها، به وفور متولد گردند و تشنگان معارف آل محمد (ع) را از زلال معرفت و حیانی اهل بیت (ع) سیراب کنند. ان شاء الله .